



Doctrine (principles and rules) of the Clerical Field in the Islamic Republic of Iran based on the Speech of the Imams of the Revolution

Ahmad AeeneVand

PhD student in Futures Studies Management, Supreme National Defense University, Tehran, Iran.

Abstract

With the advent of the Islamic Revolution, Iran's society has been and still is in need of useful and efficient clerics in various dimensions. From the traditional duties of the clergy, such as lecturing and pulpit, preaching religion, etc., to the new fields of activity that were the result of the victory of the Islamic Revolution, it has been provided in such a way that the clergy in the Islamic Republic of Iran is one of the important elements for the realization of the ideals of the Islamic Revolution. One of the things that can be effective in playing the role of the clergy and enhancing it is the existence of doctrine or practical principles and rules in the field of the clergy, which will align, coordinate and synergize the activities and actions of the clergy. Obviously, in the holy system of the Islamic Republic, these principles and rules should be extracted from the speech of the imams of the revolution, which was formed on the basis of pure Muhammadan Islam. Based on this, the present research seeks to achieve the doctrine (principles and rules) of the field of clergy in the system of the Islamic Republic of Iran based on the speech of the Imams of the Revolution. This research is applied in terms of type and descriptive-analytical in terms of nature. The method of collecting information in it is documents (library) and taken from the text of the ideas and thoughts of the imams of the revolution in the field of spirituality. The results of the research showed that the following principles and rules must be observed as the doctrine of the clerical field in the Islamic Republic of Iran for the coordination, alignment and synergy of the said field: 1) being a people; 2) being in school and having high spirituality; 3) Islamic ethics; 4) Sharia obligation to obey the guardian; 5) revolutionary and jihadist spirituality; 6) Sacrifice and martyrdom; 7) Progress and progress.

Keywords: Clergy, Clergy Students, Seminary, Imams of the Revolution



رهنامه حوزه روحانیت در جمهوری اسلامی ایران بر پایه گفتمان امامین انقلاب

احمد آئینه‌وند

دانشجوی دکتری مدیریت آینده‌پژوهی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

چکیده

با ظهور انقلاب اسلامی، جامعه ایران در ابعاد گوناگون، نیازمند روحانی مفید و کارا بوده و است. از وظایف سستی روحانیت، همچون خطابه و منبر و تبلیغ دین، امامت جمعه و جماعت، هدایت عامه و نظام بخشی و ساماندهی به اخلاق و رفتار و کردار مردم و ... تا زمینه‌های جدید فعالیت که حاصل پیروزی انقلاب اسلامی بوده، فراهم شده است به گونه‌ای که روحانیت در جمهوری اسلامی ایران یکی از عناصر مهم برای تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی به‌شمار می‌آید. یکی از مواردی که می‌تواند در ایفای نقش روحانیت و تعالی بخشیدن به آن مؤثر باشد وجود رهنامه یا اصول و قواعدی کاربردی در حوزه روحانیت است که باعث هم‌سویی، هماهنگی، هم‌افزایی فعالیت‌ها و اقدامات حوزه روحانیت می‌شود. بدیهی است در نظام مقدس جمهوری اسلامی، این اصول و قواعد را باید از گفتمان امامین انقلاب استخراج کرد که بر مبنای اسلام ناب محمدی (ص) شکل گرفته است. براین اساس، تحقیق حاضر به دنبال دستیابی به رهنامه (اصول و قواعد) حوزه روحانیت در نظام جمهوری اسلامی ایران بر پایه گفتمان امامین انقلاب است. این تحقیق از حیث نوع، کاربردی و از جهت ماهیت، توصیفی-تحلیلی است. روش جمع‌آوری اطلاعات در آن، اسنادی (کتابخانه‌ای) و برگرفته از متن نظریات و اندیشه‌های امامین انقلاب در حوزه روحانیت است. نتایج تحقیق نشان داد اصول و قواعد زیر به عنوان رهنامه حوزه روحانیت در جمهوری اسلامی ایران برای هماهنگی، هم‌سویی و هم‌افزایی حوزه مذکور، لازم است رعایت شوند: ۱. مردمی بودن؛ ۲. مکتبی بودن و داشتن معنویت بالا؛ ۳. اخلاق اسلامی؛ ۴. وجوب شرعی اطاعت از ولی فقیه؛ ۵. روحانیت انقلابی و جهادی؛ ۶. فداکاری و شهادت‌طلبی؛ ۷. پیش‌روندگی و پیش‌برندگی.

کلیدواژه‌ها: روحانیت، طلاب، حوزه علمیه، امامین انقلاب

مقدمه

با تأمل در تاریخ دو قرن اخیر کشور ایران درمی‌یابیم، روحانیت ازجمله مهم‌ترین و اثرگذارترین نیروهای اجتماعی در جامعه به‌شمار می‌آید و به‌عنوان یک نهاد مهم و با تعامل وثیق و تأثیرگذار در بین مردم شناخته می‌شود. گذشته از رهبری خاص حضرت امام خمینی^(ره) که در نقطه ثقل این جریان سیاسی قرار داشت، عناصر سیاسی دیگری از روحانیت نیز به‌طور گسترده ایفای نقش کرده‌اند و پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل نظام اسلامی، به‌نوعی در پیشبرد حکومت اسلامی مؤثر بوده‌اند. علاوه بر این، روحانیت در کشور ما مرجع رسمی تبیین باورهای اعتقادی، دستورات شریعت و ارزش‌های اخلاقی به‌شمار آمده و همواره از پایگاه مردمی خاصی در جامعه برخوردار بوده است تا بدان‌جا که با نگاهی به تاریخ، جایگاه روحانیت در ایران را می‌توان در مرجعیت دینی، رهبری مسائل اجتماعی و رویدادهای سیاسی رصد کرد. نقش روحانیون در نظام جمهوری اسلامی را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

الف. مواردی که انحصاراً در اختیار اندیشمندان دینی است؛ مانند رهبری (ولایت فقیه)، عضویت در مجلس خبرگان رهبری، ریاست قوه قضائیه، فقهای شورای نگهبان و...؛
 ب. مواردی که نقش روحانیون با دیگر مردم مشترک بوده و می‌توانند نقش‌های سیاسی و... داشته باشند؛ مانند تصدی پست‌ها و مسئولیت‌های اجرایی از قبیل ریاست جمهوری، ریاست و یا نمایندگی مجلس شورای اسلامی و...؛
 ج. مواردی که روحانیون صرف‌نظر از هر نظام سیاسی موجود موظف به انجام آن هستند؛ مانند پرداختن به تعلیم دینی و نگاهبانی از ارزش‌های اسلامی.

یکی از مواردی که می‌تواند در ایفای نقش روحانیت و تعالی بخشیدن به آن مؤثر باشد وجود رهنامه یا اصول و قواعدی در حوزه روحانیت است که باعث هم‌سویی، هماهنگی و هم‌افزایی فعالیت‌ها و اقدامات حوزه روحانیت می‌شود. بدیهی است در نظام مقدس جمهوری اسلامی این اصول و قواعد را باید از گفتمان امامین انقلاب استخراج کرد که خود بر مبنای اسلام ناب محمدی^(ص) شکل گرفته است. اهمیت این موضوع از آن جهت است که امام



خامنه‌ای (مدظله‌العالی) نیز در دیدارها و سفرهای خود به استان‌ها به‌ویژه قم و مشهد، افق‌های جدیدی پیش‌روی حوزویان گشوده و با بیانات و رهنمودهای خود، نقشه راه حوزویان را فراروی آن‌ها قرار داده‌اند. مواردی همچون ضرورت دفاع از مبانی دین مبین اسلام؛ لزوم ورود روحانیت به مسائل سیاسی و پشتیبانی همه‌جانبه از نظام؛ توجه به اخلاق و تهذیب در حوزه‌ها؛ آینده‌پژوهی علمی برای حوزه‌های علمیه؛ تشکیل کرسی‌های آزاداندیشی و گفتمان‌سازی در تبلیغ؛ کسب آمادگی‌ها و توانمندی‌های لازم جهت پاسخ‌گویی به مسائل مستحدثه و راهبری نسل جوان؛ مردم‌گرایی و معاشرت با آحاد مردم و صمیمیت برادرانه با اقشار مختلف جامعه و ... در این باره قابل طرح است که هر یک به‌تنهایی می‌تواند در سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و امور اجرایی مؤثر و راهگشا باشد.

بنابراین، دغدغه محقق، روشن نبودن این اصول و قواعد یا همان رهنامه حوزه روحانیت براساس گفتمان امامین انقلاب است و هدف از انجام تحقیق، دستیابی به رهنامه (اصول و قواعد) حوزه روحانیت در نظام جمهوری اسلامی ایران بر پایه گفتمان امامین انقلاب است.

۱. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

تعریف رهنامه: رهنامه واژه‌ای است لاتین که در فارسی نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد، می‌توان آن را آیین یا رهنامه نامید و عبارت است از مجموعه‌ای از اصول و قواعد کلی و نسبتاً پایدار که هادی و راهنمای یک فرد، سازمان و یا جامعه در اتخاذ سیاست‌ها، اهداف و راهبردها و انجام برنامه‌ها و رفتارها و اقدامات (ذوالقدر، ۱۳۷۸: ۸).

در تعریف رهنامه به مواردی مانند اصول بنیادین، باورها، خطوط راهنما و چارچوب‌های نظری، آموزه، سیاست، مکتب، قواعد بنیادی که هدایت‌کننده عملیات در پشتیبانی از سیاست‌های سطوح مختلف است، اصول و قواعدی که در هر یک از شاخه‌های علوم و یا میان پیروان یک آیین، مورد تصدیق و اعتقاد باشد، مجموعه‌ای از عقاید که دستگاهی از نظریات دینی و فلسفی یا سیاسی را تشکیل دهد، مجموع عقایدی که در باب توجیه، بیان و تفسیر

قواعدی از طرف علمای فن اظهار شده است و اصول یک فلسفه، نظام فکری یا سیاست و خط‌مشی اشاره شده است.

رهنامه (روحانیت): مردمی بودن، مکتبی بودن و معنویت، اخلاق اسلامی و جوب شرعی اطاعت روحانیت از ولایت فقیه، انقلابی و جهادی، فداکاری و شهادت‌طلبی، پیش‌روندگی و پیش‌برندگی

تعریف آخوند: «آخوند» واژه‌ای فارسی به معنی دانشمند، پیشوای دینی و معلم است. درباره اشتقاق این کلمه، آرای مختلفی وجود دارد که هیچ یک از این اشتقاقات، خالی از اشکالات تاریخی و زبان‌شناسی نیست و توافق کلی بر سر اصل و ریشه این کلمه حاصل نشده است. گفته شده که نخستین مورد کاربرد واژه آخوند در ایران به مثابه عنوانی احترام‌آمیز برای روحانیون دانشمند به دوره تیموریان مربوط می‌شود و در دوره صفویه نیز حرمت این کلمه حفظ شد و جز بر مردمان بسیار دانشمند اطلاق نشده است. در عصر قاجار هم کاربرد این کلمه گسترش بیشتری یافت و شامل مدرسان مکتب‌خانه‌ها نیز شد. البته این کلمه در میان دانشمندان آن روزگار جایگاهی والا داشت. مثلاً به مشهورترین فقیه و مدرس پایان دوره قاجار، یعنی آیت‌الله سیدکاظم خراسانی «آخوند» گفته می‌شد. بعداً به‌ویژه در دوران پهلوی از حرمت این کلمه کاسته شد و حتی مورد استعمال تمسخرآمیز پیدا کرد؛ اکنون این کلمه به گونه عام به معنای پیشوای دینی به کار می‌رود (دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۹ ج ۱: ۱۵۰).

به‌طور کلی دو دیدگاه پیرامون مناسبات اسلام و روحانی مطرح است. یکی اسلام منهای روحانیت و دیگری اسلام با روحانیت متعهد و آگاه. البته روحانیت شیعه همانند روحانیت مسیحیت هیچ‌وقت خود را واسطه بین خدا و خلق نمی‌دانسته و خود را قیم مردم به حساب نیاورده است بلکه حداکثر نقشی را که برای خود قائل بوده واسطه انسان و ائمه است؛ یعنی می‌خواهد اصولی را که از ائمه معصومین گرفته، متفرعات را بر آن بار کند تا براساس آن، زندگی انسان‌های مسلمان سامان‌دهی شود.



دسته اول، اصلاً درصدد تعریف ارائه کردن روحانی یا عالم دین نیستند؛ بلکه به دنبال توسعه بخشی مفهوم روحانیت بوده و می‌خواهند بگویند که همه روحانی خود باشند و تز خودکشیشی یا خود روحانی بودن را تبلیغ و ترویج می‌کنند؛ اما در مورد دیدگاه دوم، یعنی دیدگاه اسلام به علاوه روحانیت متعهد و آگاه (عالم با تقوا) می‌توان گفت که چون روحانیت در میان مسلمین دو چهره داشته است؛ یکی چهره‌ای پاک که در همه ادوار، علمای دین پاک و منزّه می‌زیسته‌اند و اغلب با فساد و آلودگی و امتیازطلبی که در عصر آن‌ها رواج داشته مبارزه کرده‌اند و چهره دوم، چهره‌ای خودخواه، خودفروخته و دنیاپرست بوده است. بنابراین نمی‌توان روحانیت را بدون قید متعهد و آگاه مطرح کرد؛ چراکه چهره دوم روحانیت یعنی «چهره دنیاپرستی» مذموم شمرده شده و مطرود است.

مفهوم روحانیت: واژه «روحانیت» مصدر جعلی از «روحانی»، از ریشه «روح» و به معنای معنویت در برابر مادیت، فرشته، مقدس، پاکیزه، پارسایی (دهخدا، ۱۳۷۳ ج ۸: ۱۰۸۵۰)، صفا و معنویت و رحمت است (انوری، ۱۳۸۵ ج ۴: ۳۷۱۷). در اصطلاح اجتماعی، روحانیت عالمان دینی‌اند که در راه تزکیه و آموزش تعلیم الهی و رساندن آن به مردم می‌کوشند و مسئولیت نشان دادن راه سعادت و زندگی سالم بر پایه آموزه‌های خداوند را برعهده دارند و کاربرد آن، بیشتر پس از مشروطه و متأثر از ادبیات غرب بوده است.

در منابع شفاهی و مکتوب گذشته اسلامی به جای روحانی بیشتر واژه‌های عالم و علما، ملأ، طلبه و طلاب و آخوند به‌ویژه برای عالمان شیعه رایج بوده است. همچنین از عالمان دینی با عناوین و القابی مانند فقیه، شیخ، مرجع، نایب و عارف، حجت‌الاسلام و آیت‌الله یاد می‌شده است (دهخدا، ۱۳۷۳ ج ۴: ۱۷۳۱).

پیشینه روحانیت به پیدایش دین برمی‌گردد و همه ادیان دارای متولیان بوده‌اند. برهمنان روحانیان دین بودایی تلقی می‌شدند. یهودیان عالمان خود را «احبار» می‌نامیدند ولی اکنون به آنان خاخام می‌گویند. روحانیت یهود نیز دستگاه بسته‌ای بود که جز فرزندان لاوی کسی نمی‌توانست وارد آن شود. در قرآن به عالمان دین مسیح، قسیس، عربی «کشیش» گفته شده است. روحانیان مسیحی که در رأس آنان پاپ قرار دارد و در واتیکان مستقر است، دارای

تشکیلات مفصل و سلسله‌مراتبی مانند کاردینال، اسقف، اسقف اعظم، کشیش و دیakon (شماس) اند (بهشتی، ۱۳۶۷: ۳۶۶-۳۶۵).

پیدایش روحانیت به‌عنوان عالمان دین، در اسلام با گسترش اسلام همراه بود. پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) تشویق‌کننده طلاب علوم دینی بودند. پس از پیامبر (ص) مردم برای فراگیری علم به مدینه می‌آمدند و حلقه‌های درس و بحث در مسجد پیامبر (ص) تشکیل می‌شد. در دوره ائمه اهل‌بیت (ع) به‌ویژه دوران امام باقر (ع) و امام صادق (ع) فراگیری علوم اسلامی و تشکیل محافل علمی به اوج رسید و بستری برای شکل‌گیری تشکیلی از عالمان دینی پس از عصر غیبت کبری فراهم شد. در دوران غیبت، تشکیلات روحانیت گسترش پیدا کرد و در سده چهارم در شهرهای بغداد، نجف، حلب و قم، حوزه‌های علمیه رشد کردند و علمای دین با استفاده از فرصت حکومت‌های شیعی توانستند گام‌های مؤثری در جهت گسترش اسلام و فرهنگ اهل‌بیت (ع) بردارند. در دوره صفویه، روحانیان با استفاده از فرصت ایجادشده توانستند مذهب شیعه را نشر و گسترش دهند و مدارس علوم دینی را آکنده از طالبان علم کنند و با مهاجرت عبدالکریم حائری یزدی به قم در آغاز سال ۱۳۰۱ حوزه علمیه رونق دوباره گرفت و سازمان روحانیت انسجام بیشتری یافت.

اهمیت و جایگاه روحانیت: نیاز به روحانیت به معنای رهبری دینی و کارشناس الهی ضرورتی است عقلی. این ضرورت همه‌جایی و جاودانه است و منشأ آن حیات انسانی، ماهیت دین و اهداف و مأموریت‌های آن است. قرآن کریم دعوت به دین را بهترین کار دانسته (سوره فصلت، آیه ۳۳) و گروهی از مسلمان‌ها را مکلف به فهم و فراگیری دین و انتقال و تبلیغ آن به دیگران کرده است (سوره توبه، آیه ۱۲۲). پیامبر خدا (ص) فقها را به‌منزله پیامبران دانسته و علما را وارث پیامبران معرفی کرده است (کافی، ۱۳۶۲ ج ۱: ۳۲).

امام خمینی به استناد روایتی، شغل علما را شغل انبیا (ع) شمرده که فرشتگان برای آنان استغفار می‌کنند و بال‌های خود را در زیر پای آنان می‌گسترانند؛ ایشان سرشت معنوی روحانیت را به شأن انبیا و اولیای الهی منتسب می‌داند (صحیفه نور، ۱۳۷۵ ج ۲۰: ۳۴۲) و معتقد است هویت بنیادین روحانیت را دفاع از آموزه‌های دینی و حیثیت اسلام شکل می‌دهد.



و عالمان دینی در امتداد خط امامت و رسالت، مرجع امور مردم‌اند (امام خمینی^(ره)، ۱۳۴۸: ۱۰۴؛ ۹۵؛ ۹۳ و ۹۱). ایشان روحانیت را مظهر اسلام، مبین قرآن، مظهر نبی اکرم^(ص)، جانشین و خلیفه پیامبر^(ص) و به منزله انبیا^(ع)، امین بر حلال و حرام، افضل از پیامبران بنی اسرائیل، طبیب روحانی، مدافع و مبلغ دین و مذهب، ذخیره و پشتوانه ملت شمرده است (صحیفه نور، ۱۳۷۵ ج ۶: ۴۲۳؛ ج ۱: ۵۹؛ ج ۶: ۴۰). به نظر ایشان مقام و لباس روحانیان به لحاظ شغل آنان مقدس است و جایگاه احترام‌آمیز روحانیت در میان مسلمانان مرهون نمایندگی و مظهر بودن آنان از نبوت و امامت است (صحیفه نور، ۱۳۷۵ ج ۱: ۱۴۱؛ ج ۹: ۵۲۴؛ ۵۳۴-۵۳۳). در نگاه ایشان آخوند و روحانی با اسلام ادغام شده و در پیوند است و روحانیان ناصح و دلسوز مردم‌اند. ایشان به شهادت منابع تاریخی معتبر یادآور شده پس از رحلت پیامبر اکرم^(ص) تا امروز علما و روحانیان دین را نگه داشته‌اند؛ چنان‌که احترام فوق‌العاده مردم به روحانی مبارز سید محمود طالقانی، امام‌جمعه تهران و بوسیدن وسایل دفن ایشان در هنگام خاک‌سپاری را به این سبب شمرد که مردم طالقانی را نایب پیامبر^(ص) می‌دانند (صحیفه نور، ۱۳۷۵ ج ۹: ۵۳۴؛ ج ۱: ۹۰؛ ج ۷: ۴۶۱).

نقش‌آفرینی روحانیت و حوزه‌های علمیه در هدایت جامعه: با نگاهی به گذشته درمی‌یابیم که روحانیت شیعه در طول تاریخ، همواره نقش تحول‌آفرین و فرهنگ‌سازی داشته است. حضور پررنگ و معنوی روحانیت در میان عامه مردم به‌ویژه نسل جوان، عامل بسیار مهمی در ایجاد حرکت‌های اسلامی انقلابی بوده است. روحانیت به لحاظ پیوند عمیق جامعه ایران با دین، در طول تاریخ از نفوذ زیادی برخوردار بوده و در زمینه‌های مختلف زندگی مردم نقش‌آفرینی کرده است. روحانیت از دیرباز همواره درصدد برآمده تا تکلیف دینی و وجدانی خود را تشخیص داده و مصالح و مفاسد را به جامعه و به مسلمین گوشزد کند و ملت را به طریق دین و سعادت هدایت کند.

نقش پیشرو روحانیون در این عصر را امام خمینی^(ره) چنین شرح داده است: «این صدسال اخیر را وقتی ما ملاحظه کنیم هر جنبشی که واقع شده است از طرف روحانیون بوده است. بر ضد سلاطین، جنبش تنباکو بر ضد سلطان وقت آن بوده است، جنبش مشروطه بر ضد

رژیم بود البته با قبول داشتن رژیم، عدالت می‌خواسته‌اند ایجاد کنند» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۲۰۴).

از نگاه آیت‌الله بهشتی نیز حوزه‌های علمیه و روحانیت به‌عنوان دانش‌آموختگان حوزه‌های علمیه، در طول تاریخ در زمینه‌های زیر نقش‌آفرین بوده‌اند:

- ❖ بیان اسلام اصیل برای جامعه؛
- ❖ تحقیق درباره اسلام؛
- ❖ تهذیب اخلاق؛
- ❖ خدمت به مردم و گره‌گشایی از مشکلات مردم؛
- ❖ روشنگری برای مردم؛
- ❖ مبارزه با ظلم و ظالم؛
- ❖ مردمی بودن (بهشتی، ۱۳۹۵: ۱۴).

بدین ترتیب مشاهده می‌شود که از یک‌سو پایگاه وسیع مردمی به‌عنوان مهم‌ترین عامل قدرت روحانیت به‌شمار می‌آید و از سوی دیگر روحانیون به‌عنوان تنها پناهگاه مردم در برابر ظلم و ستم حاکمان قلمداد می‌شدند (رمضانیان، ۱۳۹۲: ۹۷). روحانیون همواره به‌عنوان یک گروه ذی‌نفوذ در ایران عمل کرده‌اند. موارد زیر گویای برخی از عملکرد آن‌ها است:

۱. نهضت تنباکو و حکم تحریم تنباکو از طرف میرزای شیرازی (مدنی، ۱۳۶۸: ۲۹)؛
۲. لغو قرارداد ۱۹۱۹ میلادی توسط مرحوم مدرس (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۵۸: ۶۸)؛
۳. مخالفت با جمهوری‌خواهی رضاشاه با چندین بار مجلس را از اکثریت انداختن مرحوم آیت‌الله مدرس (مدنی، ۱۳۶۸: ۱۰۹ - ۱۰۸)؛
۴. نقش روحانیت در نهضت ملی شدن صنعت نفت (اخوی، ۱۳۶۸: ۱۸۸ - ۱۸۷)؛
۵. قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و نقش روحانیت در آن؛
۶. کاپیتولاسیون سال ۱۳۴۳ و نقش امام خمینی (ره)؛
۷. انقلاب اسلامی و نقش روحانیت در آن (نظری، ۱۳۸۹: ۴)؛



امام خمینی^(ره) میان اسلام و روحانیت اصیل، نوعی تلازم قائل بود و ادعای پذیرش اسلام منهای روحانیت را که پیش از انقلاب از سوی برخی با سوءاستفاده از سخنان برخی از روشنفکران که در تحلیل مسائل تاریخی دچار اشتباه شده بودند، یک نگاه باطل و برخلاف عقل و سیاست می‌دانست و معتقد بود اساس روحانیت چیزی نیست که یک نفر مسلمان با آن مخالف باشد. ایشان اسلام بدون روحانیت را مانند کشور بدون پزشک، اسلام منهای محتوا و اسلام منهای اسلام می‌دانست و بر آن بود که علما، روحانیان، روشنفکران و دانشگاهیان در مبارزه با این فکر، مسئول‌اند (صحیفه نور، ۱۳۷۵: ج ۳: ۲۴۷؛ ج ۵: ۲۸۰-۲۷۹؛ ج ۱۷: ۹۲؛ ج ۷: ۳۷۶؛ ج ۱۴: ۱۹۰؛ ج ۸: ۱۲؛ ج ۸: ۴۴ و ۵۷؛ ج ۵: ۲۸۱-۲۸۰).

نقش روحانیت در تبیین و ترویج ایدئولوژی انقلاب اسلامی: ایدئولوژی‌ها به‌عنوان ابزار اصلی بسیج سیاسی در انقلاب‌ها مطرح می‌شوند. ایدئولوژی‌ها با به‌دست دادن توضیحی از واقعیات اجتماعی، حاوی یک رشته عقاید سیاسی نیز هستند که بهترین شکل ممکن سازمان‌دهی اجتماعی را به‌تفصیل شرح می‌دهند و همراه نقشه‌ای از واقعیات، تصویری از جامعه‌ای مطلوب را هم در برابر می‌نهند (اکلشال و دیگران، ۱۳۷۵: ۱۲-۱۱) و بدین ترتیب برای انقلابیون برنامه عمل و آرمان‌شهر ترسیم می‌کنند.

انقلاب اسلامی نیز مانند هر انقلاب دیگری دارای ایدئولوژی فراگیر در حکم الگوی مبارزه بود که بیش از هر عامل دیگری بر مذهب تشیع استوار بود. شیعیان هم قادر بودند به‌وسیله دستورها و پیام‌های خود وضعیت موجود را با عنوان دوران حکومت غصبی امام معصوم وضعیت نامطلوب جلوه دهند و هم قادر بودند با الگوهایی نظیر مبارزات امامان معصوم، خصوصاً امام حسین^(علیه‌السلام)، شیوه مبارزه را به پیروان بیاموزند. درنهایت به‌وسیله این ایدئولوژی وضعیتی آرمانی از حکومت فقیه جامع‌الشرایط به نیابت از امام معصوم عرضه می‌گردید. به‌هرحال ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران از یک‌سو، دربردارنده طرد و نفی ارزش‌های حاکم بر جامعه گذشته ایران، به‌ویژه از نظر فرهنگی و اخلاقی و از سوی دیگر، دربردارنده ایده و آرمان تأسیس سامان سیاسی جدید مبتنی بر ارزش‌ها و اصول اسلامی بود (احمدوند، ۱۳۷۴: ۶۹) که توسط رهبران و ایدئولوگ‌های انقلاب اسلامی تدوین شد و آن

بخش از علما و روحانیون که از توانایی و سطح علمی و فقهی بالاتری برخوردار بودند، همراه امام، ایدئولوگ‌های اصلی انقلاب بودند. امام خمینی^(ره) به‌منزله رهبر اصلی انقلاب، از عنصر آگاهی، اندیشه و برنامه بدون مبارزه غافل نبوده، خود بیش‌ترین تلاش را برای آگاهی-بخشی به توده‌ها انجام داد و با تأکید بر این‌که «آقایان موظفند ملت را آگاه کنند، علما موظف‌اند ملت را آگاه کنند...» (امام خمینی، ۱۳۸۷: ۴) خود با اولین سند سیاسی که در دهه ۲۰، خطاب به روحانیون اسلام، علمای ربانی و سایر طبقات مردم نوشت، مبارزه را با آگاهی‌بخشی آغاز کرد.

گونه‌شناسی روحانیت از دیدگاه امام خمینی^(ره): گونه‌شناسی امام خمینی^(ره) از روحانیت بدین صورت نیست که در یک‌جا و در یک دسته‌بندی خاصی ارائه شده باشد، بلکه این گونه‌شناسی را از مجموعه صحبت‌ها و نوشته‌های ایشان می‌توان به‌دست آورد. فلذا براساس مطالعات آثار امام^(ره) می‌توان گفت که ایشان روحانیت را به‌طور کلان به دو گونه روحانیون صالح و روحانیون ناصالح طبقه‌بندی می‌کنند.

الف. روحانیت صالح؛ امام خمینی^(ره) این گونه صالح را به دو گونه روحانیت اصیل، متعهد، انقلابی، روحانیت اصلاح‌گر (آرام‌ساز) و علمای منفعل یا محافظه‌کار تجزیه و طبقه‌بندی می‌کند:

۱. روحانیت اصیل (متعهد-انقلابی)؛ یعنی روحانیتی که حافظ دیانت و اسلام است، روحانیتی که شغل و مسئولیت انبیاء را پذیرفته و حافظ شریعت، مبلغ رسالت و قوانین وحی به مردم است. این گونه از روحانیت، سینه خود را برای مقابله با هر تیر زهرآگینی که به طرف اسلام شلیک می‌شود آماده کرده و به مسلخ عشق آمدند (صحیفه نور، ۱۳۷۵ ج ۲۱: ۲۷۹). در این گونه، افرادی جای می‌گیرند که با نظام‌های سیاسی علناً درگیر شده و مقابله می‌کردند. در این گونه، روحانی که مفسر، مبلغ و مجری دین است، اسلام را دینی معرفی می‌کند که سیاستش در عبادتش و عبادتش در سیاستش مدغم می‌گردد و احکام اخلاقی‌اش هم سیاسی می‌شود.



۲. روحانیت اصلاح‌گر؛ روحانیت اصلاح‌گر یا به قول امام خمینی^(ره) «روحانیت «آدم‌ساز» آن گونه‌ای است که اولاً، براساس اقتضائات زمان و مکان وارد دستگاه سیاست می‌شد و دوم اینکه منفعل در دستگاه نبود بلکه تحولی در دستگاه ایجاد می‌کرد. با در نظر گرفتن این دو عنصر است که امام^(ره) فعالیت‌های علمایی همچون خواجه‌نصیرالدین طوسی، شیخ بهایی، علامه مجلسی و ... را که در درون نظام شاهنشاهی صورت گرفته است، مورد ستایش قرار می‌دهند. ایشان این دسته از علما را نه تنها ذم نکرده و درباری معرفی نمی‌کند بلکه آنان را علمای مجاهد و صالحی که از مقامشان گذشت کرده‌اند، یاد می‌کند و خود را جای آن‌ها قرار می‌دهد و می‌گوید «من هم اگر چنانچه می‌توانستم یک سلطان جائری را به راه بیاورم، می‌رفتم درباری می‌شدم. شما هم تکلیفتان این بود که اگر بتوانید یک سلطان جائری را آدمش کنید بروید درباری بشوید؛ این درباری شدن نیست؛ این آدم‌سازی است» (صحیفه نور، ۱۳۷۵ ج ۳: ۲۴۱) و براساس همین دیدگاه است که می‌گوید: «یک طایفه از علما، این‌ها گذشت کرده‌اند از یک مقاماتی و متصل شده‌اند به یک سلاطینی؛ با اینکه می‌دیدند که مردم مخالفند لکن برای ترویج دیانت و ترویج تشیع اسلامی و ترویج مذهب حق، این‌ها متصل شده‌اند به یک سلاطینی و این سلاطین را وادار کرده‌اند خواهی‌نخواهی برای ترویج مذهب، مذهب دیانت، مذهب تشیع، این‌ها آخوند درباری نبودند، این اشتباهی است که بعض نویسندگان ما می‌کنند».

امام خمینی^(ره) نه تنها این دسته و گونه از روحانیت را می‌ستود، بلکه با اذعان به این مطلب که لازمه عقلی عالم اصلاح‌گر بودن در نظام شاهنشاهی، پذیرش بقای نظام شاهنشاهی خواهد بود ولی چون مصلحت بوده و حاوی فواید کثیره‌ای خواهد بود، پس واجب شرعی دانسته است که علما به چنین اقدامی دست بزنند. بر همین مبناست که می‌گویند: «اگر ورود بعضی از علما در بعضی از پست‌های دولتی موجب برپاداشتن واجبی یا واجباتی و از بین رفتن منکر یا منکراتی باشد و محذور مهم‌تری مثل هتک حیثیت علم و علما و سستی عقاید مردم در بین باشد ورود برای علما واجب کفایی است» (توضیح المسائل، مسئله ۲۷۹۷).

۳. علمای منفعل یا محافظه‌کار؛ به نظر می‌رسد امام خمینی^(ره) این‌گونه از روحانیت را بین گونه صالح و ناصالح قرار می‌دهند. اینان آن‌گونه از روحانیانی هستند که در عرصه نظری یا عرصه خدمات اجتماعی فعال‌بوده و خواهان خیرجمعی هستند؛ لیکن در مقابل فعالیت سیاسی ساکت و بی‌تحرك هستند؛ پس از این‌گونه روحانیون می‌خواهد که زمانه را بشناسند و دست از محافظه‌کاری بردارند و براساس این هشدار است که می‌گویند: «وای بر این علمای ساکت، وای بر این نجف ساکت، این قم ساکت ... وای بر این اسلام، ای علما ساکت ننشینید، نگویند الان مسلک شیخ [مراد مرحوم آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حایری است] است والله شیخ اگر حالا بود تکلیفش این بود؛ امروز سکوت، همراهی با دستگاه چهار است؛ سکوت نکنید» (صحیفه نور، ۱۳۷۵ ج ۱: ۲۱۳)

ب. روحانیت ناصالح؛ در این بخش، امام خمینی^(ره) دو گونه آخوندهای غیرمذهب و عالم بلاعمل و روحانیون وابسته را معرفی می‌کند:

۱. عالم غیرمذهب (عالم سوء) یا عالم بلاعمل؛ امام خمینی^(ره) براساس استناد تاریخ روحانیت شیعه، به روحانیت هشدار می‌دهد که «طلاب علوم نقلیه شرعیه ... که علم در آن‌ها تأثیر سوء بخشیده و بر مفساد اخلاقی آن‌ها افزوده و علم که موجب فلاح و رستگاری آن‌ها باید باشد باعث هلاکت آن‌ها شده و آن‌ها را به جهل و ممارات و استطاله و ختل کشانده باید یک قدم که برای تحصیل علم برمی‌دارد یک قدم برای تحصیل اخلاق خوب و تهذیب بردارد. اگر خدای نخواستہ آقایان، مذهب نباشند ... این ضررش از نفعش بیشتر است ... اکثر این دین‌سازی‌ها که بوده است این‌ها از طبقه ملاها بوده است، ملاهایی که فقط علم به خیال خودشان کافی بوده است و دنبالش مسیر انبیاء نبوده است». این دسته از علما و روحانیون کسانی هستند که برای اسلام، نافع که نیستند بلکه مضر هم هستند و صدمات و لطمات روحی زیادی به جامعه وارد می‌کنند» (صحیفه نور، ۱۳۷۵ ج ۲۱: ۹۸) ... «شما می‌دانید که مرحوم شیخ فضل‌الله نوری را کی محاکمه کرد؟ یک معمم زنجانی، یک ملای زنجانی محاکمه کرد و حکم قتل را او صادر کرد وقتی معمم، ملّا، مذهب نباشد، فسادش از همه‌کس بیشتر است» (صحیفه نور، ۱۳۷۵ ج ۱۳: ۴۲۰).



۲. روحانیون وابسته؛ روحانیون وابسته به اشکال روحانیون آگاه وابسته و روحانیون ناآگاه وابسته ظهور و بروز پیدا کرده‌اند: در قسمت روحانیت آگاه وابسته، عناوینی که امام خمینی^(ره) برای معرفی آن‌ها استفاده می‌کند و بر زبان می‌آورد عبارتند از: آخوندهای حسود و دنیاگرای درباری (صحیفه نور، ۱۳۷۵ ج ۲۰: ۹۱)، آخوندهای جیره‌خوار تفرقه‌افکن، علمای مزور، وعاظ السلاطین (صحیفه نور، ۱۳۷۵ ج ۳: ۴۳۴)، مفتی‌های خودفروخته، دین به دنیا فروشان (صحیفه نور، ۱۳۷۵ ج ۲۰: ۴۸۴)، معممین ساختگی، مقدس‌نماهای واپس‌گرا و روحانیون تحجّرگرا (صحیفه نور، ۱۳۷۵ ج ۲۱: ۲۷۸) و در قسمت روحانیت ناآگاه وابسته، از عناوینی چون بازی‌خوردگان غافل از سیاست (صحیفه نور، ۱۳۷۵ ج ۱۸: ۴)، جهال به صورت عالم، و معممین کج‌فهم و کج‌فکر (صحیفه نور، ۱۳۷۵ ج ۱۹: ۲۳؛ ج ۲۱: ۳۳۳) استفاده شده است. علمای آگاه وابسته (روحانی‌نما)، کسانی هستند که در مسیری قرار دارند که پیامبرپسندانه نیست که هیچ، بلکه همیشه بر ضد و مخالفت با سنت رسول‌الله^(ص) قدم برمی‌دارند. امام^(ره) می‌فرماید: «روحانیون وابسته کم نبودند و نیستند؛ در حوزه‌های علمیه هستند افرادی که علیه انقلاب و اسلام ناب محمدی^(ص) فعالیت دارند. امروز عده‌ای چنان تیشه به ریشه دین و انقلاب و نظام می‌زنند که گویی وظیفه‌ای غیر از این ندارند. خطر تحجّرگرایان و مقدس‌نمایان احمق در حوزه‌های علمیه کم نیست. طلاب عزیز لحظه‌ای از فکر این مارهای خوش خط‌و‌خال کوتاهی نکنند؛ این‌ها مروج اسلام آمریکایی و دشمن رسول‌الله هستند» (صحیفه نور، ۱۳۷۵ ج ۲۱: ۲۷۸). امام خمینی^(ره) برای بیشتر شناساندن ماهیت این‌گونه (روحانیت آگاه وابسته) می‌گویند: «در شروع مبارزات اسلامی، اگر می‌خواستی بگویی شاه خائن است، بلافاصله جواب می‌شنیدی که شاه شیعه است؛ همچنین امام خمینی^(ره) در لابه‌لای سخنان خود به معرفی و شناساندن علمای ناآگاه وابسته می‌پردازد و به طلاب جوان هم توصیه می‌کند که مواظب باشند «پرونده تفکر این گروه همچنان باز و شیوه دین‌فروشی عوض شده است» (صحیفه نور، ۱۳۷۵ ج ۲۱: ۲۸۰).

از نظر امام (ره)، روحانیون مهمل و بیکاره (روحانی مسئله‌گو و دعاگو) نیز گونه دیگری از روحانیت هستند: «افراد مهمل و بیکاره و تنبل و بی‌همتی را می‌بینید که فقط مسئله می‌گویند و دعا می‌کنند و کاری جز این از آن‌ها ساخته نیست».

مطالبات مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی) از روحانیت و حوزه‌های علمیه: مقام معظم رهبری به‌عنوان یک شخصیت روحانی بصیر و یک رهبر سیاسی- مذهبی نظاره‌گر و رصدکننده وضع کشور و جهان، حساسیت ویژه‌ای نسبت به موضوع اخلاق و تهذیب در حوزه علمیه دارند. بررسی دیدگاه‌ها و فرمایشات ایشان نشان می‌دهد که وی از جمله اندیشمندانی است که نقش محوری برای خودسازی و معنویت در نظام رفتاری و اخلاقی حوزه‌ها، حفظ ارزش‌ها؛ ارزش علم و جهاد، کرسی‌های آزاداندیشی، در راهبری و هدایت حوزه، در تحقق اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی و ... دارند. در اینجا به برخی از مطالبات معظم‌له از روحانیت و حوزه‌های علمیه اشاره می‌شود:

۱. تهیه نظام جامع نماز شب؛ «ما همت می‌کنیم، طلبه را اهل نماز شب کنیم؛ این خیلی کمک می‌کند. برنامه‌ریزی کنید که از میان ۵۰ هزار طلبه حوزه قم حالا با حذف یک عده خیلی پایین‌ترها و یک عده خیلی پیرترها اقلأً ۳۰ هزارتاشان هرشب نماز شب بخوانند؛ اگر این شد، به‌نظر من از جهت اخلاقی راه می‌افتد. بنابراین لازم است نظام جامع در همه این زمینه‌ها تهیه شود» (بیانات در اجتماع طلاب و فضلای حوزه علمیه قم، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰).
۲. انس با ادعیه و مناجات؛ «طلبه باید با دعا، با ذکر و با مناجات انس پیدا کند. طلبه باید زندگی خود را یک زندگی دینی محض بکند. طلبه باید دل خود را پاک و صاف کند، تا وقتی در مقابل انوار معرفت و توفیقات الهی قرار گرفت، تلألؤ پیدا کند؛ .. وقتی اینجا آن بنیه معنوی و دینی ساخته نشود، آنجا که پای مقام و امکانات مادی به میان می‌آید، انسان می‌لرزد؛ آنجا که پای فداکاری به میان می‌آید، انسان می‌لرزد و نمی‌تواند جلو برود؛ آنوقت چطور می‌شود یک ملت و یک مجموعه را هدایت کرد؟ باید عمل کنیم، تا بتوانیم اثر بگذاریم.»



۳. توصیه به نافله، قرآن و نماز اول وقت؛ «نافله بخوانید، قرآن بخوانید، نماز اول وقت بخوانید که این سه چیز برای طلبه واجب است. نمی‌خواهم بگویم که واجب شرعی است واجب وظیفه‌ای و شغلی است. طلبه‌ای که با قرآن انس نداشته باشد، طلبه‌ای که اهل نافله نباشد، طلبه‌ای که نمازش را آخر وقت بگذارد، چیز مهمی کسر دارد» (بیانات در مراسم عمامه‌گذاری، ۱۳۷۲/۱۰/۲۶).

۴. تقوا؛ «در جوانی خودتان را بسازید؛ شما روزگارهای مهم و حساسی را در پیش خواهید داشت. این کشور و این نظام و این نهضت عظیم اسلامی در سطح عالم، به شماها احتیاج خواهد داشت؛ از لحاظ معنوی باید خودتان را بسازید ... البته نقشه، نقشه آسانی است؛ اما پیمودنش اراده می‌خواهد. نقشه، یعنی تقوا؛ تقوا، یعنی پرهیز از گناه؛ یعنی اتیان واجبات و ترک محرمات؛ کار را با اخلاص انجام دادن و از ریا و فریب دور بودن. برخلاف آنچه تصور می‌شود، این کارها در دوران جوانی بسیار آسان‌تر است؛ به سن ماها که برسید، کار مشکل‌تر خواهد شد ... نماز شب خواندن، نافله خواندن، دعا خواندن، ذکر گفتن، متوجه خدا بودن، زیارت رفتن، توسل کردن و به مسجد جمکران رفتن، سازنده است ... نمی‌شود یک حوزه ایدئال داشته باشیم درحالی‌که این چیزها در طلباش نباشد» (بیانات در درس خارج فقه، ۷۰/۰۶/۳۱).

۵. پُراکاری و خستگی‌ناپذیری؛ «طلبه جوان و روحانی، باید پُراکار و پرتلاش باشد و از کار خسته نشود. اندکی احساس خستگی و میل به راحت‌طلبی، کار را خراب خواهد کرد؛ باید خستگی‌ناپذیر باشید. همه باید روحیه دنباله‌گیری و کنجکاوی داشته باشند. من به طلبه‌های جوان توصیه می‌کنم، دنبال کار را بگیرید و خسته نشوید. هر کاری که شروع می‌کنید، تا نهایت آن کار بروید و احساس کسالت و ملامت نکنید» (بیانات در دیدار با طلاب، ۱۳۶۶/۱۱/۱۲).

۶. تقدم تهذیب بر علم‌آموزی؛ «من توصیه به خشوع و ذکر و تقوا و سعی برای تقرب الی‌الله را برای طلاب واجب‌تر می‌دانم تا توصیه به علم، که مایه اصلی کارشان علم است. اگر علم باشد، تقوا نباشد، این علم می‌شود بی‌فایده، گاهی هم مضر. عالمانی داشتیم چه علم

دینی، چه علم غیردینی که نه فقط از این علم بهره‌ای نبردند و بهره‌ای نرساندند، بلکه وزر و وبال شد. این روح معنویت در کالبد علم و عالم لازم است» (بیانات در جمع علما و روحانیون شیعه و سنی کرمانشاه، ۱۳۹۰/۰۷/۲۰).

۷. توصیه به رعایت زی طلبگی؛ «یک چیز دیگری که در باب روحانیت شرط و لازم است که ما دقیقاً و جدّاً به آن توجه کنیم، مسئله حفظ قداست روحانی است. روحانیت دارای قداست است. مردم به من و شما که نگاه می‌کنند، به خاطر لباسمان، شأنمان و شغلیمان، حساب خاصی برای ما باز می‌کنند و یک تقدسی قائلند. بعضی از گناهانی که خودشان می‌کنند، خیال می‌کنند ماها نمی‌کنیم؛ بعضی از کارهای خیری که خودشان انجام نمی‌دهند، خیال می‌کنند ما انجام می‌دهیم؛ خیال می‌کنند دائم در حال ذکر الهی و توجه به پروردگار که غالباً از آن غفلت می‌شود هستیم؛ یک چنین تصوراتی درباره ما دارند. البته این تصورات را نباید تقویت کرد ... امام سجاد (ع) در یکی از ادعیه صحیفه ثانیه سجاده از خدای متعال شش چیز می‌خواهد، که یکی‌اش این است: «و لَبَّاءُ راجحاً»؛ باطنم از ظاهرم بهتر باشد. ماها در این زمینه گرفتاریم. باید باطنمان از ظاهرمان بهتر باشد. این قداست را چگونه حفظ کنیم؟ حفظ قداست با سلامت مالی، سلامت اخلاقی و حفظ زی طلبگی است ... معنایش این است که در دنیا طلبی مثل دنیا طلبان عمل نکنیم؛ هرچه هوس کردیم، بخواهیم ... شأن طلبگی این است که انسان یک زی متوسطی همراه با قناعت، سلامت مالی و سادگی به‌طور نسبی برای خودش نگه دارد. سلامت اخلاقی، خیلی مهم است. آن وقت قداست حفظ خواهد شد» (بیانات رهبری در جمع روحانیون استان سمنان، ۱۳۸۵/۰۸/۱۷).

۸. ضرورت حفظ شور و نشاط جوانی؛ «طلبه باید روحیه جوانی را با همه خصوصیات جوانی حفظ کند. این جوانی، نباید به پیری تبدیل شود. اگر جوان ما ظاهراً و سناً جوان ولی روحیتاً پیر و بی‌نشاط و بی‌حوصله و بی‌ابتکار و ناامید باشد، بسیار چیز بدی است. طلبه باید منشأ امید و شور و نشاط و تحرک باشد» (سخنرانی در دیدار با مجمع نمایندگان طلاب و فضلای حوزه علمیه قم، ۱۳۶۹/۱۱/۰۴).



۹. حفظ ارزش‌ها؛ «طلاب باید ارزش‌هایی را به‌عنوان ارزش‌های ثابت و زوال‌ناپذیر همواره به یاد داشته باشند که ازجمله آن‌ها، ارزش علم و ارزش جهاد است. ارزش جهاد را دست کم نگیرید. طلبه جهادگر، طلبه تلاشگر، طلبه بسیجی، طلبه‌ای که آماده است تا در میدان‌های خطر حضور پیدا کند، این طلبه است که اگر با ابزار علم مجهز شد، آن‌وقت دنیایی در مقابل او دیگر تاب نمی‌آورد. نظام حوزه بایستی این ارزش‌ها را رشد بدهد و پیش بیاورد» (سخنرانی در اجتماع طلاب و فضلای حوزه علمی قم، ۱۳۷۰/۱۲/۰۱).

۱۰. زهد و ساده زیستی؛ «مسئله تهذیب اخلاق، مسئله ساده‌زیستی، مسئله اعراض از زخارف دنیا را بایستی در حوزه‌های علمی جدی گرفت ... این‌طور نباشد که طلبگی هم به چیزی مثل بقیه کارهای دیگری که بعضی می‌کنند دنبال تجملات و دنبال زخارف و امثال این‌ها رفتن تبدیل شود. این عیب خیلی بزرگی است که باید بشدت از آن جلوگیری شود» (بیانات در آغاز درس خارج فقه، ۱۳۷۰/۰۶/۳۱).

۱۱. مراقبت از گرایش‌ها و احساسات انقلابی؛ «یک مسئله دیگر در زمینه نظام رفتاری و اخلاقی حوزه، مسئله گرایش‌ها و احساسات انقلابی در حوزه است. عزیزان من! فضای انقلابی در کشور دشمنان عنودی دارد، دشمنان کینه‌ورزی دارد. با حاکمیت فضای انقلابی در کشور مخالفند؛ می‌خواهند این فضا را بشکنند. شما دیدید در یک دوره‌ای شهادت را زیر سؤال بردند، جهاد را زیر سؤال بردند، شهید را زیر سؤال بردند، نظرات امام را زیر سؤال بردند، پیغمبران را زیر سؤال بردند؛ مسئله این نیست که فلان زیدی با این مفاهیم مخالف است؛ مسئله این است که این مخالفت از نظر دشمن باید در جامعه مطرح شود؛ فضا سازی شود و فضای انقلابی بشکند. در حوزه علمی همه باید به این مسئله توجه کنند. در متن جامعه این جور است، طبعاً در حوزه‌های علمی هم این جور است. می‌دانند که شمای روحانی فقط یک فرد نیستید؛ مستمع دارید، علاقه‌مند دارید؛ بنابراین در محیط پیرامون خودتان اثر می‌گذارید. می‌خواهند فضای انقلابی را بشکنند، روحانی انقلابی را منزوی کنند. تحقیر بسیج، تحقیر شهید، تحقیر شهادت، زیر سؤال بردن جهاد طولانی این مردم اگر خدای نکرده در گوشه و کنار حوزه به‌وجود بیاید، فاجعه است. بزرگان حوزه

بایستی مواظب و مراقب باشند و مانع بشوند» (بیانات در دیدار طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹/۰۷/۲۹).

۱۲. پرهیز از افراط و تفریط؛ «باید خیلی مراقبت کنید. درست است که جوان طلبه انقلابی اهل عمل است، اهل فعالیت است، اهل تسویف و امروز به فردا انداختن کار نیست، اما باید مراقب باشد؛ مبدا حرکت انقلابی جوری باشد که بتواند تهمت افراطی‌گری به او بزنند ... همان‌طور که کناره‌گیری و سکوت و بی‌تفاوتی ضربه می‌زند، زیاده‌روی هم ضربه می‌زند؛ مراقب باشید زیاده‌روی نشود ... نیروهای انقلابی را متهم به افراطی‌گری نکنند؛ بعضی هم این‌جوری دوست می‌دارند. عنصر انقلابی، جوان انقلابی، طلبه انقلابی، فاضل انقلابی، مدرس انقلابی در هر سطحی از سطوح را متهم کنند به افراطی‌گری؛ نه، این هم انحرافی است که به دست دشمن انجام می‌گیرد واضح است. پس نه از آن طرف، نه از این طرف».

مفهوم رهنامه: در فرهنگ معین، رهنامه به معنی نظریه، اندیشه و فکر آمده است؛ در ادبیات فارسی به جای آن تاکنون از واژه‌های متفاوتی مثل آموزه، آیین، اصول، مکتب، نظام فکری، رهنامه و ... استفاده شده است. در فرهنگ راهبردی، رهنامه این‌چنین تعریف شده است: «نظریه، اصول یا قواعد بنیادین معتبری است که هدایت‌کننده اقدام در پشتیبانی از سیاست‌ها و برنامه‌ها در جهت تأمین اهداف بوده و به‌کاربردن آن‌ها مستلزم درک مقتضیات و تصمیم‌گیری صحیح و منطقی است ... رهنامه، اصول و قواعدی کاربردی و هدایت‌گر هستند که باعث هماهنگی، هم‌سویی و هم‌افزایی تصمیمات و اقدامات در سلسله‌مراتب می‌شوند» (توحیدی، ۱۳۹۳: ۷۳-۷۱).

از نگاه عیسی‌نیا، رهنامه دارای سه ویژگی است که عبارتند از: «۱. مفاهیم به‌کار گرفته‌شده در آن، گویایی کافی را داشته باشد؛ ۲. با واقعیت‌های اجتماعی و تاریخی، تناسب واقعی داشته باشد؛ ۳. قابلیت به‌کارگیری در شرایط خاص را دارا باشد» (عیسی‌نیا، ۱۳۸۷: ۷).



علی‌بابایی و آقایی نیز در تعریف رهنامه نوشته‌اند: «رهنامه، نوعی از جهان‌بینی است که برنامه‌های سیاسی براساس آن، پایه و بنیاد گرفته باشد یا مجموعه‌ای از نظام‌های فکری است که بر پایه اصول معینی مبتنی باشد» (علی‌بابایی و آقایی، ۱۳۶۵: ۲۷۰).

منصور نژاد، رهنامه را شامل اصول، اصول عقیده، تعلیم، آموزه، مکتب و حتی سیاست می‌داند که حداقل در چهار معنا تعریف و مطرح شده است: ۱. اصول و قواعدی که هریک از شاخه‌های علوم و یا میان‌پروان یک آیین، مورد تصدیق و اعتقاد باشد؛ ۲. مجموعه‌ای از عقاید که دستگاہی از نظریات دینی و فلسفی یا سیاسی را تشکیل دهد؛ ۳. مجموع عقایدی که در باب توجیه، بیان و تفسیر قواعدی از علمای فن اظهار شده است؛ ۴. اصول یک فلسفه، نظام فکری یا سیاست و خط‌مشی» (منصور نژاد، ۱۳۸۵: ۱۱).

۲. روش‌شناسی

تحقیق حاضر از نوع کاربردی-توسعه‌ای و با روش توصیفی تحلیلی انجام‌شده و داده‌های آن نیز به روش کتابخانه‌ای از میان بیانات و سخنرانی‌های حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) با استفاده از ابزار فیش‌برداری و به صورت تمام‌شمار و تا حد در دسترس، جمع‌آوری شده‌اند. از آنجا که تحلیل محتوای کیفی را می‌توان روشی برای تفسیر ذهنی محتوای داده‌های متنی از طریق فرایندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، کدبندی و تم‌سازی یا طراحی الگوهای شناخته شده دانست، تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز با روش تحلیل محتوای کیفی برابر مراحل ذیل صورت پذیرفته است:

۱. جمع‌آوری اسناد و بیانات مرتبط با موضوع روحانیت؛
۲. شناسایی مفاهیم مرتبط با موضوع روحانیت؛
۳. دسته‌بندی و طبقه‌بندی مقوله‌های مرتبط با موضوع روحانیت؛
۴. استخراج مضامین و محورهای رهنامه‌ی مرتبط با موضوع روحانیت.

۳. تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش

رهنامه در این تحقیق شامل اصول و قواعد بنیادین و هدایت‌گری است که مبتنی بر فلسفه و آرمان‌های اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران بوده و بر پایه اندیشه‌ها و افکار امامین انقلاب در حمایت و پشتیبانی از اهداف و سیاست‌های ملی مورد قبول عامه مردم قرار گرفته است. این اصول و قواعد، باعث هماهنگی و همسوسازی تصمیم‌گیری‌ها و هدایت طرح‌ها، برنامه‌ها و فعالیت‌ها است که در جهت تحقق اهداف پیش‌بینی‌شده خواهد بود.

براین اساس، ابتدا آثار، بیانات، نظرات و دیدگاه‌های حضرت امام^(ره) و مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی) که در این تحقیق از آن‌ها با عنوان امامین انقلاب یاد می‌شود، از منابع معتبری مانند صحیفه نور و تارنمای مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی) استخراج و سپس گزاره‌هایی که شامل واژه‌های مرتبط با موضوع روحانیت بودند، استخراج شد. لازم به ذکر است جستجو در بیانات در ابتدا براساس لیستی حاوی کلیدواژه‌های روحانیت، روحانی، روحانیون، علما و مبلغین، حوزه علمیه صورت پذیرفت؛ لیکن در ادامه و در داخل متن بیانات، با مفاهیم جدیدی برخورد شد که به این فهرست اضافه شد.

مواردی از قبیل آخوند، فقیه، مجتهد، عالم، طلبه، عالمان، ملا، طلاب، مرجع، عارف، حجت‌الاسلام و آیت‌الله از این دست مفاهیم هستند. علاوه بر این، متن سخنرانی‌هایی که میهمانان آن‌ها روحانیون و مبلغین بودند، بیشتر ملاک تحلیل قرار گرفتند. سپس از میان گزاره‌های مستخرج از بیانات، مفاهیم همسان و همگرا تجمیع و مقوله‌ها از آن استخراج شدند و در قالب قضایای محوری مورد دسته‌بندی محتوایی قرار گرفتند. در این راستا، تعداد ۱۸۰ گزاره و مفهوم شناسایی شد که پس از حذف موارد تکراری، تعداد ۱۱۵ گزاره مرتب و با مقوله‌بندی آن‌ها، ۲۶ مورد با تعریف عملیاتی رهنامه مرتبط بود که در ۷ محور و قضیه اساسی دسته‌بندی شدند که نتایج آن در قالب جدول (۱)، ذکر شده است:



جدول ۱: تحلیل محتوای اندیشه‌ها و نظرات امامین انقلاب در بُعد رهنامه

ماهیت	قضیه (محور)	مقوله	گزاره (مفهوم)	ردیف
رهنامه	مردمی بودن	پیوستگی مردم و روحانیت؛ استفاده از ظرفیت‌های مردمی.	احترام و استقبال ملت از روحانیت، عدم مخالفت با روحانیت، پشتیبانی ملت، اتکای به ملت، وفاداری به ملت، رفیق و دوست با ملت، احترام به روحانیت توسط ملت، پشتیبانی ملت، خدمت به مردم، پیوند قلبی میان روحانیت و مردم، محبوبیت مردمی، بسیج عمومی مردم	۱
	مکتبی بودن و داشتن معنویت بالا	رشد معنویت و فرهنگ اسلامی؛ حاکمیت ارزش‌ها و موازین اسلامی.	حوزه مکتبی، اسلامی شدن فکر، حاکمیت اسلام در جامعه، تعهد کامل به اسلام و جمهوری اسلامی، شایستگی و تعهد دینی و انقلابی، ارتقای آموزش‌های اخلاقی و عقیدتی، تابعیت از اسلام، اعتقاد، تقویت ایمان، روحانیت الهی و معنوی، شجره طیبه، فعالیت برای آرمان‌های الهی، نظام اسلامی، اعتماد به خدا، ارتباط با خدا، ایمان مذهبی، دین‌داری، سرمایه‌های معنوی، کمالات معنوی، اتکای به ایمان و ارزش‌های معنوی، پاک‌دامنی، پارسایی، تربیت معنوی، ایمان قوی، پایبندی به اسلام و قوانین الهی، توکل، ایمان به خدا، شایستگی و تعهد دینی و انقلابی، پرهیز از مادیات، محافل انس و نورانیت، رضایت امام زمان، قدرت غیبی، عنایات غیبی الهی، اتکال به خدا، زعامت معنوی، تقوا شرط مسئولیت در اسلام، پیروزی تعداد قلیل در مقابل دشمن کثیر با سلاح معنوی، انگیزه جنگ برای خدا، کار برای خدا، خلوص برای خدا، هدف‌نهایی تکامل و تعالی و قرب الهی، انگیزه درونی، عامل معنوی و الهی الگوی اقتدار	۲

ردیف	گزاره (مفهوم)	مقوله	قضیه (محور)	ماهیت
۳	رفع عیوب اخلاقی، ادب اسلامی، اعتراف و پذیرش اشتباه، مهار نفس، اعتراف به خطا، نمونه اخلاق، برخورد صحیح و اسلامی، اخلاق کریمه، عدم غرور، آفت غرور، اغفال از عامل نصر، پرهیز از قدرت‌نمایی شخصی، خلیقات نیکو، تواضع، ممنوعیت اهانت، اعتلای فرهنگ و اخلاق، الزامات اخلاقی، رفتار اسلامی با مردم، صبر و شکیبایی، سعه صدر، دوری از حب و بغض، خودخواهی منشأ دیکتاتوری و فساد، تربیت درونی، تربیت بیرونی، تربیت اخلاقی و معنویت، خودسازی، انسان‌سازی	حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها؛ گسترش عدالت؛ ساده‌زیستی؛ امانت‌داری؛ حفظ بیت‌المال؛ قناعت؛ مبارزه با هوای نفس؛ انسان‌سازی.	اخلاق اسلامی	
۴	وجوب اطاعت از ولایت فقیه، حرام بودن تخلف، اطاعت از ولی فقیه حکم خدا، ولی فقیه به عنوان اولی الامر، اطاعت از امر ولی فقیه امری شرعی، مأموریت از طرف خدا، اطاعت ظاهری و باطنی	ولی فقیه به عنوان اولی الامر؛ اطاعت از ولی فقیه.	وجوب شرعی اطاعت از ولی فقیه	
۵	روحانیت انقلابی، روحانیت ارزشی، گزینش طلاب براساس معیارهای الهی، پایبند به مبانی و اصول و ارزش‌ها، انقلابی زیستن، انقلابی ماندن، روحیه انقلابی و اسلامی عمیق روحانیت، به کارگیری مدرسان صالح، توحید مبنای روحانیت، دستگاه روحانیت سالم، دستگاه روحانیت صالح، روحانیت اسلامی، روحانیت طاهر، اخلاق در روحانیت، روحانیت با تفکر اسلامی، روحانیت عقلانی و متدین، کار جهادی، حضور روحانیت در خط مقدم، الگوی اسلامی روحانیت، متفاوت بودن روحانیت در ایران با سایر کشورها، خط امام الگوی روحانیت، پرهیز از دیکتاتوری، عدم زورگویی، دین و تقوا،	اداره همه‌جانبه امور مردم؛ تلاش و فداکاری و جهاد در راه خدا؛ نفی استبداد و تبعیض و بی‌عدالتی.	روحانیت انقلابی و جهادی	



ماهیت	قضیه (محور)	مقوله	گزاره (مفهوم)	ردیف
			علم و معرفت، دلسوزی و خلوص و پیگیری مسئولیت و وظیفه، خودباوری	
	فداکاری و شهادت‌طلبی	حفظ و حراست از اسلام و ارزش‌های اسلامی؛ پاسداری از انقلاب و دستاوردهای آن؛ نترسیدن از غیرخدا.	فداکاری برای دستاوردهای انقلاب، روحیه آمادگی و فداکاری، جان برکفی، شهادت، فدایی اسلام، نترسیدن از غیرخدا، شجاعت، قدرت و شجاعت، ترساندن دشمن، مدیر با جرئت، مدیر جسور	۶
	پیش‌روندگی و پیش‌برندگی	شفافیت و روزآمدی در ساختار حوزه‌های علمیه؛ استفاده بهینه از ظرفیت درونی کشور ارج نهادن به سرمایه‌های انسانی؛ حذف تشریفات زائد؛ استفاده از علوم و فناوری روزآمد؛ آموزش و تربیت.	پیش‌روندگی با وحدت و تلاش و همت و برنامه‌ریزی، حرکت تکاملی، اقتدار با شتاب در پیشرفت‌ها و آمادگی‌ها، هم‌افزایی، ایجاد جامعه اسلامی، پیش‌برندگی، تجدیدپذیری، عدم انقطاع نسلی، تکیه بر ظرفیت درون‌زای کشور، لزوم مدیریت تحول به سمت تعالی، مدیریت تحول	۷

با توجه به مندرجات جدول تحلیل محتوا، تعداد ۲۶ مقوله از اندیشه‌ها و نظرات امامین انقلاب استخراج شد که در ۷ محور و قضیه اساسی از جنس رهنامه در حوزه روحانیت دسته‌بندی شدند و عبارتند از: مردمی بودن، مکتبی بودن و داشتن معنویت بالا، اخلاق اسلامی و جوب شرعی اطاعت از ولی فقیه، روحانیت انقلابی و جهادی، فداکاری و شهادت‌طلبی، پیش‌روندگی و پیش‌برندگی.

نتیجه گیری و پیشنهاد

یافته‌های تحقیق نشان داد که از منظر گفتمان امامین انقلاب، لازم است هفت اصل و قاعده زیر به عنوان رهنامه حوزه روحانیت در جمهوری اسلامی ایران مورد مذاقه قرار گیرند تا فعالیت‌ها و اقدامات روحانیون از هم‌سویی، هماهنگی و هم‌افزایی لازم برخوردار باشد:

۱. مردمی بودن؛
۲. مکتبی بودن و داشتن معنویت بالا؛
۳. اخلاق اسلامی؛
۴. وجوب شرعی اطاعت از ولی فقیه؛
۵. روحانیت انقلابی و جهادی؛
۶. فداکاری و شهادت‌طلبی؛
۷. پیش‌روندگی و پیش‌برندگی.

پیشنهاد می‌شود با توجه به گذشت بیش از چهار دهه از عمر نظام مقدس جمهوری اسلامی، تدوین الگو و راهبردهای پیاده‌سازی شاخص‌ها و معیارهایی همچون روحانیت انقلابی و جهادی، چگونگی تحول در ساختار آموزشی حوزه‌های علمیه، سبک زندگی روحانیت تراز انقلاب و ... از جمله موضوعاتی هستند که جامعه روحانیت نیازمند آن است. همچنین در حوزه اجرا نیز، ۱. افزایش استحکام معنوی جامعه علمی روحانیت؛ ۲. همراه بودن آموزش در حوزه همراه با تفکر، تکرار و تحقیق؛ ۳. بهبود ارتباط حوزه‌های علمیه با نظام حاکمیت می‌تواند مورد توجه متولیان امر قرار گیرد.



فهرست منابع

- احمدوند، علی محمد (۱۳۷۴). *مجموعه مقالات سمینار انقلاب اسلامی*، قم: معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی
- اخوی، شاهرخ (۱۳۶۸). *نقش روحانیت در صحنه سیاسی ایران*، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی و کاوه بیات، تهران: نشر نو
- انوری، حسن و همکاران (۱۳۸۵). *فرهنگ روز*، تهران: انتشارات سخن
- بنی‌هاشمی خمینی، سید محمدحسن (۱۳۸۵). *توضیح‌المسائل* مراجع، قم: انتشارات اسلامی
- بهشتی، سید محمدحسین (۱۳۶۷). *حکومت در اسلام*، تهران: سروش
- بهشتی، سید محمدحسین (۱۳۹۵). *روحانیت در اسلام و در میان مسلمانان*، تهران: روزنه
- توحیدی، ارسطو (۱۳۹۳). *مبانی دفاع ملی*، تقریرات درسی دانشگاه عالی دفاع ملی
- خامنه‌ای، سید علی، مجموعه بیانات و رهنمودها، قابل دسترسی در سایت Khamenei.ir
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۴۸). *ولایت فقیه*، قم: نشر آزادی
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۵). *صحیفه نور*، تهران: سازمان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۹). *دلیل آفتاب*، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۷). *تحریر الوسیله*، قم: انتشارات اسماعیلیان
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). *لغتنامه*، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران
- رابرت اکلشال و دیگران (۱۳۷۵). *مقدمه‌ای بر ایدئولوژی‌های سیاسی*، ترجمه قائد، نشر مرکز
- رمضانیان، شعبانعلی (۱۳۹۲). *بسیج حوزه و دانشگاه در جبهه نرم*، تهران: دانا
- شیخ‌الاسلامی، جواد (۱۳۵۸). *اسناد محرمانه بریتانیا*، تهران: وزارت امور خارجه
- علی‌بابایی، غلامرضا و آقایی، بهمن (۱۳۶۶). *فرهنگ علوم سیاسی*، تهران: نشر ویس
- عیسی‌نیا، رضا (۱۳۸۷). *درآمدی بر رهنماهای مرتبط با فلسفه مهدویت در ج.ا.ایران*، فصلنامه علمی انقلاب اسلامی، شماره ۴ (پیاپی ۱۵)
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۲). *اصول کافی*، ترجمه و شرح سید جواد مصطفوی، تهران: انتشارات علمیه اسلامیه
- مدنی، جلال‌الدین (۱۳۶۸). *تاریخ معاصر سیاسی ایران*، قم: دفتر انتشارات اسلامی
- معین، محمد (۱۳۸۲). *فرهنگ فارسی*، تهران: انتشارات بهزاد

- منصورنژاد، محمد و شیخیان، مهدی (۱۳۸۵). *عوامل معنوی و فرهنگی دفاع مقدس*، تهران: پژوهشکده تحقیقات اسلامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
- موسوی بجنوردی، محمدکاظم (۱۳۶۹). *دائرة المعارف اسلامی*، تهران
- نظری، عبداللطیف (۱۳۸۹). *علمای حماسه ساز*، روز روحانیت و دفاع مقدس، پایگاه حوزه